

پولس در حضور شورای یهودیان

¹ پس پولس به اهل شورا نیک نگرسته، گفت: ای برادران، من تا امروز با کمال ضمیر صالح در خدمت خدا رفتار کرده‌ام. ² آنگاه حنانيا، رئيس كهته، حاضران را فرمود تا به دهانش زنند. ³ پولس بدو گفت: خدا تو را خواهد زد، ای دیوار سفیدشده! تو نشسته‌ای تا مرا برحسب شریعت داوری کنی و به ضد شریعت حکم به زدن می‌کنی؟ ⁴ حاضران گفتند: آیا رئيس كهته خدا را دشنام می‌دهی؟ ⁵ پولس گفت: ای برادران، ندانستم که رئيس كهته است، زیرا مكتوب است: حاکم قوم خود را بد مگوی.

⁶ چون پولس فهمید که بعضی از صدوقیان و بعضی از فریسیان، در مجلس ندا در داد که: ای برادران، من فریسی، پسر فریسی هستم و برای امید و قیامت مردگان از من باز پرس می‌شود. ⁷ چون این را گفت، در میان فریسیان و صدوقیان منازعه برپا شد و جماعت دو فرقه شدند، ⁸ زیرا که صدوقیان منکر قیامت و ملائکه و ارواح هستند لیکن فریسیان قائل به هر دو. ⁹ پس غوغای عظیم برپا شد و کاتبان از فرقه فریسیان برخاسته مخاصمه نموده، می‌گفتند که: در این شخص هیچ بدی نیافته‌ایم و اگر روحی یافرشته‌ای با او سخن گفته باشد با خدا جنگ نباید نمود.

¹⁰ و چون منازعه زیاده‌تر می‌شد، مینباشی ترسید که مبادا پولس را بدرند. پس فرمود تا سپاهیان پایین آمده، او را از میانشان برداشته، به قلعه درآوردند. ¹¹ و در شب همان روز خداوند نزد او آمده، گفت: ای پولس، خاطر جمع باش زیرا چنانکه در اورشليم در حق من شهادت دادی، همچنین باید در روم نیز شهادت دهی.

توطئه علیه پولس

¹² و چون روز شد، یهودیان با یکدیگر عهد بسته، بر خویشتن لعن کردند که تا پولس را نکشند، نخورند و ننوشند. ¹³ و آنانی که درباره این، همقسم شدند، زیاده از چهل نفر بودند. ¹⁴ اینها نزد رؤسای كهته و مشایخ رفته، گفتند: بر خویشتن لعنت سخت کردیم که تا پولس را نکشیم چیزی نجشیم. ¹⁵ پس الآن شما با اهل شورا، مینباشی را اعلام کنید که او را نزد شما بیاورد که گویا اراده دارید در احوال او نیکوتر تحقیق نمایید؛ و ما حاضر هستیم که قبل از رسیدنش او را

¹ قَتَرَسَ يُولُسُ فِي الْمَجْمَعِ وَقَالَ: أَيُّهَا الرِّجَالُ الْإِخْوَةُ، إِنِّي يَكُلُّ صَمِيرٍ صَالِحٍ قَدْ عِشْتُ لِلَّهِ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ. ² قَامَرَ حَنَانِيَا، رَئِيسَ الْكَهَنَةِ، الْوَاقِفِينَ عِنْدَهُ أَنْ يَضْرِبُوهُ عَلَى قِمِهِ. ³ حِينَئِذٍ قَالَ لَهُ يُولُسُ: سَيَضْرِبُكَ اللَّهُ، أَيُّهَا الْخَائِطُ الْمُبَيِّضُ، أَقَانْتُ جَالِسٌ تَحْكُمَ عَلَيَّ حَسَبَ النَّامُوسِ وَأَنْتَ تَأْمُرُ بِضَرْبِي مُخَالِفًا لِلنَّامُوسِ؟ ⁴ فَقَالَ الْوَاقِفُونَ: أَتَسْتِمْ رَئِيسَ كَهَنَةِ اللَّهِ؟ ⁵ فَقَالَ يُولُسُ: لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُ، أَيُّهَا الْإِخْوَةُ، أَنَّهُ رَئِيسُ كَهَنَةٍ لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: "رَئِيسُ سَعْيِكَ لَا تَقُلْ فِيهِ سُوءًا".

⁶ وَلَمَّا عَلِمَ يُولُسُ أَنَّ قِسْمًا مِنْهُمْ صَدُوقِيُّونَ وَالْآخَرُ قَرَيْسِيُّونَ صَرَخَ فِي الْمَجْمَعِ: أَيُّهَا الرِّجَالُ الْإِخْوَةُ، أَنَا قَرَيْسِيٌّ ابْنُ قَرَيْسِيٍّ، عَلَى رَجَاءِ قِيَامَةِ الْأَمْوَاتِ أَنَا أَحَاكُمُ. ⁷ وَلَمَّا قَالَ هَذَا حَدَثَتْ مُنَازَعَةٌ بَيْنَ الْقَرَيْسِيِّينَ وَالصَّدُوقِيِّينَ وَانْشَقَّتِ الْجَمَاعَةُ. ⁸ لِأَنَّ الصَّدُوقِيِّينَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَيْسَ قِيَامَةٌ وَلَا مَلَائِكٌ وَلَا رُوحٌ، وَأَمَّا الْقَرَيْسِيُّونَ فَيَقُولُونَ يَكُلُّ ذَلِكَ. ⁹ فَحَدَّثَ صَيَاخٌ عَظِيمٌ وَتَهَصَّنَ كَتَبُهُ قِسْمِ الْقَرَيْسِيِّينَ وَطَفِقُوا يُخَاصِمُونَ قَائِلِينَ: لَسْنَا نَجِدُ شَيْئًا رَدِيًّا فِي هَذَا الْإِنْسَانِ، وَإِنْ كَانَ رُوحٌ أَوْ مَلَائِكٌ قَدْ كَلَّمَهُ فَلَا تُحَارِبَنَّ اللَّهَ.

¹⁰ وَلَمَّا حَدَّثَتْ مُنَازَعَةٌ كَثِيرَةٌ اخْتَشَى الْأَمِيرُ أَنْ يَفْسَحُوا يُولُسَ، قَامَرَ الْعَسْكَرُ أَنْ يَنْزِلُوا وَيَخْتَطِفُوهُ مِنْ وَسْطِهِمْ وَيَأْتُوا بِهِ إِلَى الْمُعْسَكَرِ. ¹¹ وَفِي اللَّيْلَةِ الثَّلَاثَةِ وَقَفَ بِهِ الرَّبُّ وَقَالَ: ثِقْ، يَا يُولُسُ، لِأَنَّكَ كَمَا سَهَدْتَ بِمَا لِي فِي أَوْرَشَلِيمَ هَكَذَا يَتَّبِعِي أَنْ تَشْهَدَ فِي رُومِيَّةٍ أَيْضًا.

مكیده قتل الرسول بولس

¹² وَلَمَّا صَارَ النَّهَارُ صَنَعَ بَعْضُ الْيَهُودِ اتِّفَاقًا وَخَرَمُوا أَنْفُسَهُمْ قَائِلِينَ: إِنَّهُمْ لَا يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْرَبُونَ حَتَّى يَقْتُلُوا يُولُسَ. ¹³ وَكَانَ الَّذِينَ صَنَعُوا هَذَا التَّخَالَفَ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعِينَ. ¹⁴ فَتَقَدَّمُوا إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوخِ وَقَالُوا: قَدْ خَرَمْنَا أَنْفُسَنَا جِزْمًا أَنْ لَا نَذُوقَ شَيْئًا حَتَّى نَقْتُلَ يُولُسَ. ¹⁵ وَالْآنَ أَعْلِمُوا الْأَمِيرَ أَنَّكُمْ مَعَ الْمَجْمَعِ لَكُمْ بُنْرَلُهُ إِلَيْكُمْ عَدَا كَأَنَّكُمْ مُرْمِعُونَ أَنْ تَفْخَضُوا بِأَكْثَرِ تَذْقِيقِ عَمَّا لَهُ، وَتَحْجُنْ، قَبْلَ أَنْ يَقْتَرِبَ، مُسْتَعِدُّونَ لِقَائِهِ. ¹⁶ وَلَكِنَّ ابْنَ أَحْبَ يُولُسَ سَمِعَ بِالْكَامِنِينَ فَجَاءَ وَدَخَلَ الْمُعْسَكَرَ وَأَحْبَرَ يُولُسَ. ¹⁷ فَاسْتَدْعَى يُولُسُ وَاحِدًا مِنْ قَوَادِ الْمَنَاتِ وَقَالَ: اذْهَبْ بِهَذَا الشَّابِّ إِلَى الْأَمِيرِ لِأَنَّ عِنْدَهُ شَيْئًا يُخْبِرُهُ بِهِ. ¹⁸ فَاحْذَرَهُ وَأَخْصَرَهُ إِلَى الْأَمِيرِ وَقَالَ: اسْتَدْعَانِي الْأَسِيرُ

بُولُسُ وَطَلَبَ أَنْ أُخْضَرَ هَذَا الشَّابَّ إِلَيْكَ وَهُوَ عِنْدَهُ شَيْءٌ لِيَقُولَهُ لَكَ.¹⁹ فَأَخَذَ الْأَمِيرُ يَدَيْهِ وَتَحَّى بِهِ مُنْقَرِداً وَاسْتَحْتَرَهُ: مَا هُوَ الَّذِي عِنْدَكَ لِيُخْبِرَنِي بِهِ؟²⁰ فَقَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ تَعَاهَدُوا أَنْ يَطْلُبُوا مِنْكَ أَنْ تُنْزِلَ بُولُسَ عَدَاً إِلَى الْمَجْمَعِ كَأَنَّهُمْ مُرْمَعُونَ أَنْ يَسْتَحْجِرُوا عَنْهُ بِأَكْثَرِ تَذَقُّقٍ.²¹ فَلَا تَقْدِرُ إِلَيْهِمْ لِأَنَّ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَامِنُونَ لَهُ، قَدْ حَرَمُوا أَنْفُسَهُمْ أَنْ لَا يَأْكُلُوا وَلَا يَشْرَبُوا حَتَّى يَقْتُلُوهُ. وَهُمْ الْآنَ مُسْتَعِدُّونَ مُسْتَطَرِّوْنَ الْوَعْدَ مِنْكَ.²² فَأَطْلَقَ الْأَمِيرُ الشَّابَّ مُوصِياً إِياهُ أَنْ: لَا تَقُلْ لِأَحَدٍ إِنَّكَ أَعْلَمْتَنِي بِهِذَا.

أمر تهريب الرسول بولس الى قيصرية

²³ ثُمَّ دَعَا اثْنَيْنِ مِنْ فُؤَادِ الْمَنَاتِ وَقَالَ: أَعِدَّا مَنِيَّ عَسْكَرِيَّ لِيَذْهَبُوا إِلَيَّ قَيْصَرِيَّةَ وَسَبْعِينَ فَارِساً وَمَنِيَّ رَامِحٍ مِنَ السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ مِنَ اللَّيْلِ،²⁴ وَأَنْ يُعَدَّمَا دَوَابَّ لِتُرْكَبَا بُولُسَ وَبُوصِلَاةً سَالِماً إِلَيَّ فِيلِكْسَ الْوَالِي. وَكَتَبَ رِسَالَةً خَاطِبَةً هَذِهِ الصُّورَةَ:

²⁶ كَلُودِيُوسُ لِيَسِيَّاسُ يُهْدِي سَلاماً إِلَيَّ الْعَزِيزِ فِيلِكْسَ الْوَالِي. هَذَا الرَّجُلُ لَمَّا أَمْسَكَهُ الْيَهُودُ وَكَانُوا مُرْمَعِينَ أَنْ يَقْتُلُوهُ أَقْبَلْتُ مَعَ الْعَسْكَرِ وَأَتَقَدَّضْتُ إِذْ أُخْبِرْتُ أَنَّهُ رُومَانِيٌّ.²⁸ وَكُنْتُ أُرِيدُ أَنْ أَعْلَمَ الْعِلَّةَ الَّتِي لِأَجْلِهَا كَانُوا يَسْتَكُونُونَ عَلَيْهِ فَأَتَرْتُهُ إِلَى مَجْمَعِهِمْ،²⁹ فَوَجَدْتُهُ مَسْكُوراً عَلَيْهِ مِنْ جِهَةِ مَسَائِلِ تَأْمُوسِهِمْ، وَلَكِنْ يَشْكُو تَسْجُقَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَيْودِ لَمْ تَكُنْ عَلَيْهِ،³⁰ ثُمَّ لَمَّا أَعْلِمْتُ بِمَكِيدَةِ عَيْدِيَّةٍ أَنْ تُصَيَّرَ عَلَى الرَّجُلِ مِنَ الْيَهُودِ أَرْسَلْتُهُ لِلْوَقْتِ إِلَيْكَ أَمِيراً الْمُسْتَكِينِ أَيْضاً أَنْ يَقُولُوا لَدَيْكَ مَا عَلَيْهِ. كُنْ مُعَافِئاً.

³¹ فَأَلْعَسْكَرَ أَخَذُوا بُولُسَ كَمَا أَمَرُوا وَذَهَبُوا بِهِ لَيْلاً إِلَى أَنْتِيَا تَرِيسَ. وَفِي الْعَدِ تَرَكُوا الْفُرْسَانَ يَذْهَبُونَ مَعَهُ وَرَجَعُوا إِلَى الْمُعَسْكَرِ.³³ وَأُولَئِكَ لَمَّا دَخَلُوا قَيْصَرِيَّةَ وَدَفَعُوا الرِّسَالَةَ إِلَى الْوَالِي أَخْضَرُوا بُولُسَ أَيْضاً إِلَيْهِ.³⁴ فَلَمَّا قَرَأَ الْوَالِي الرِّسَالَةَ وَسَأَلَ، مِنْ أَبَةِ وَلَايَةِ هُوَ وَوَجَدَ أَنَّهُ مِنْ كِيلِيكِيَّةَ،³⁵ قَالَ: سَأَسْمَعُكَ مَتَى حَضَرَ الْمُسْتَكُونُونَ عَلَيْكَ أَيْضاً. وَأَمَرَ أَنْ يُحْرَسَ فِي قَصْرِ هِيرُودُسَ.

بُكْشِيم.¹⁶ أَمَّا خَواهرزاده بُولُسَ از كمين ايشان اطلاع يافته، رفت و به قلعه درآمده، بُولُسَ را آگاهانيد.¹⁷ بُولُسَ يکی از يوزباشيان را طلبيده، گفت: اين جوان را نزد مينباشی ببر زیرا خبری دارد که به او بگويد.¹⁸ پس او را برداشته، به حضور مينباشی رسانيده، گفت: بُولُسَ زندانی مرا طلبيده، خواهش کرد که اين جوان را به خدمت تو بياورم، زیرا چیزی دارد که به تو عرض کند.¹⁹ پس مينباشی دستش را گرفته، به خلوت برد و پرسيد: چه چیز است که می‌خواهی به من خبر دهی؟²⁰ عرض کرد، يهوديان متفق شده‌اند که از تو خواهش کنند تا بُولُسَ را فردا به مجلس شورا درآوری که گویا اراده دارند در حق او زيادتر تفتيش نمايند.²¹ پس خواهش ايشان را اجابت مفرما زیرا که بيشتر از چهل نفر از ايشان در کمين وياند و به سوگند عهد بسته‌اند که تا او را نکشند چیزی نخورند و نياشامند و الْآن مستعد و منتظر وعده تو می‌باشند.²² مينباشی آن جوان را مرخص فرموده: قدغن نمود که به هيچ کس مگو که مرا از اين راز مطلع ساختی.

قاچاق بُولُسَ به قيصرية

²³ پس دو نفر از يوزباشيان را طلبيده، فرمود که: دويست سپاهی و هفتاد سوار و دويست نيزه‌دار در ساعت سوم از شب حاضر سازيد تا به قيصرية بروند؛²⁴ و مرکبی حاضر کنيد تا بُولُسَ را سوار کرده، او را به سلامتی به نزد فِيلِکْسَ والی برسانند.²⁵ و نامه‌ای بدین مضمون نوشت:

²⁶ کَلُودِيُوسُ لِيَسِيَّاسُ، به والی گرامی فِيلِکْسَ سلام می‌رساند.²⁷ يهوديان اين شخص را گرفته، قصد قتل او داشتند. پس با سپاه رفته، او را از ايشان گرفتم، چون دريافت کرده بودم که رومی است.²⁸ و چون خواستم بفهمم که به چه سبب بر وی شکايت می‌کنند، او را به مجلس ايشان درآوردم.²⁹ پس يافتم که در مسائل شريعت خود از او شکايت می‌دارند، ولی هيچ شکوهای مستوجب قتل يا بند نمی‌دارند.³⁰ و چون خبر يافتم که يهوديان قصد کمينسازي برای او دارند، بی‌درنگ او را نزد تو فرستادم و مدعیان او را نيز فرمودم تا در حضور تو بر او ادعا نمايند وَالسَّلام.

³¹ پس سپاهيان چنانکه مأمور شدند، بُولُسَ را در شب برداشته، به أَنْتِيَا تَرِيسَ رسانيدند.³² و بامدادان سواران

را گذاشته که با او بروند، خود به قلعه برگشتند.³³ و چون ایشان وارد قیصریه شدند، نامه را به والی سپردند و پولس را نیز نزد او حاضر ساختند.³⁴ پس والی نامه را ملاحظه فرموده، پرسید که از کدام ولایت است. چون دانست که از قیلیقیّه است،³⁵ گفت: چون مدّعیان تو حاضر شوند، سخن تو را خواهم شنید. و فرمود تا او را در سرای هیروдіس نگاه دارند.